

اعتراف عبرت آموز آدمی در حشر چیست؟

۴ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۵۸

روز حشر، آدمی بر این باور خواهد رسید که تمام تب و تاب زندگی در دنیا بیش از گذران شبی تاریک نبوده است.

قرآن حکیم در آیه ۴۶ سوره نازعات می فرماید: كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحًىهَا / در آن روز که مردمان نشئه آخرت را بنگرند و در آن محضر حاضر شوند - تمام زندگی دنیا در نظرشان - چنان است که گویی شبی یا روزی بیش نبوده است. علامه طباطبایی در "تفسیر المیزان" با بیان این که این آیه در قالب تمثیل نزدیکی قیامت را بیان می کند، این گونه به محتوای آیه اشاره می کند: نزدیکی قیامت به زندگی دنیایشان طوری است که مثل آنان در هنگام دیدن قیامت مثل خود آنان است در آن فرض که بعد از گذشتن یک شب یا یک نصف روز از مردنشان دوباره زنده شوند، در آن صورت چه می گویند؟ می گویند: بعد از مردن بیش از یک شب نگذشت که دوباره زنده شدیم، و خلاصه فاصله بین مردن و قیامت را مدت زمانی احساس می کنند، که نسبتش با روز و شبهای گذشته عمرشان نسبت یک شب یا یک ظهر را دارد.

از آنچه گذشت روشن شد که مراد از کلمه "لبث" درنگ در مدت زمانی است که بین زندگی دنیا و روز بعث فاصله شده، و در این مدت در قبرها آرمیده بودند چون حساب بر مجموع زندگی دنیا واقع می شود.

ولی بعضی از مفسرین گفته اند: مراد از کلمه "لبث" مدت زمانی است که بین سؤال از وقت قیامت و خود قیامت فاصله شده. لیکن این نظریه درست نیست، برای اینکه گویندگان این حرف وضع خود را در هنگام بعث اینطور می بینند، و بعث در مقابل مرگ قبل از آن است، نه مرگ و مقداری از حیات قبل از مرگ.

علاوه بر این، این وجه با ظواهر سایر آیات که متعرض بعث و درنگ اهل محشر است نمی سازد، مانند آیه "قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ" که ملاحظه می کنید لبث را عبارت دانسته اند از مدت زمانی که در قبر بودند.

چند روایت از زمان وقوع قیامت و جواب خدای تعالی

در تفسیر قمی در ذیل آیه "وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ" آمده که این درباره بنده خدا است که وقتی در برابر معصیت خدا قرار می گیرد با اینکه می تواند مرتکب شود، از ترس خدا مرتکب نمی شود، و به خاطر نهدی خدا، نفس خود را از ارتکاب آن نهدی می کند و تلافی این عملش همان جنت است. در تفسیر آیه "يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا"

فرمود: یعنی چه وقت به پا مَلَأُشُود؟ خدای تعالی در پاسخش فرمود: "إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا" یعنی علم آن نزد پروردگار تو است، و در معنای جمله "إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا" فرمود: یعنی بعضی از یک روز.

و در الدر المنثور است که ابن ابی حاتم و ابن مردویه به سندی ضعیف از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت: مشرکین مکه از رسول خدا (ص) مَلَأُرسیدند "متی تقوم الساعة" و منظورشان از این سؤال مسخره کردن اعتقاد به قیامت بود، و لذا در این باره این آیه نازل شد: "يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مَرْسَاهَا ...".

و در همان کتاب آمده که بزار، ابن جریر، ابن منذر، حاکم، - وی حدیث را صحیح دانسته - و ابن مردویه از عایشه روایت کرده‌اند که گفت: از رسول خدا (ص) همواره از مسأله قیامت سؤال مَلَأُشد تا آنکه آیه "فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا" نازل شد بر رسول خدا (ص) آن وقت دیگر سؤال نشد.

مؤلف: این روایت را از عده‌ای از کتب حدیث بدون ذکر سند از عروه نیز روایت کرده‌ام و نیز نظیر آن را از عده‌ای دیگر از آن کتب از شهاب بن طارق هم نقل کرده‌ام و لیکن سیاق آیه با این روایات نملأسازد، چون حاصل از همه این روایات این است که آیه پاسخ از سؤال مردم باشد، در حالی که سیاق آیه چنین چیزی را نملأساند.

در بعضی از روایات آمده که رسم اعراب چنین بود که وقتی به نزد رسول خدا (ص) مَلَأُرفتند از قیامت مَلَأُرسیدند، و حضرت رو مَلَأُکرد به جوانتر آنان و مَلَأُفرمود: اگر این بچه یک قرن زندگی کند قیامت شما به پا مَلَأُشود، این حدیث را صاحب الدر المنثور از ابن مردویه از عایشه نقل کرده است.

این روایت وقت قیامت را معین مَلَأُکنند، و رسول خدا (ص) بزرگتر از آن است که چنین کاری بکند، چگونه ممکن است با اینکه در بسیاری از سوره‌های قرآنی به او وحی شده که علم به قیامت از مختصات خدای تعالی است و کسی جز او آن را نملأداند، و دستور داده هر کس از او از این مسأله پرسید بگوید که من به این مطلب علمی ندارم.

علی الصباح قیامت چو سر ز خاک برآرم ...

اما دکتر حسین الهی قمشه ای در کتاب "سیصد و شصت و پنج روز در صحبت قرآن" در تبیین مفاهیم این آیه می نویسد: از شگفتی های اخبار قیامت در قرآن یکی این است که آنجا وقتی آدمیان می پرسند در روی زمین چه مقدار زمان مکث کردید، می گویند روزی یا شبی و چنین می نماید که زندگی ما در روی زمین، رؤیایی بوده است که در زمان دیدن رؤیا، طولانی به نظر می رسیده اما پس از بیدار شدن می فهمند که ساعتی چند بیش نبوده است و آن حدیث پیامبر که فرمود: "مردمان در خوابند چون بمیرند بیدار شوند" با این سخن هماهنگ است. شاید علت آن که بعضی می گویند روزی و بعضی گویند شبی، آن باشد که بعضی زندگی دنیا را در روشنایی سیر کرده اند و بعضی در تاریکی و چون تاریکی بر اکثر مردمان غلبه داشته است، تعبیرات کلی از زندگی آن ها بیشتر شب است تا روز.

از این روست که از این عالم به چاه تعبیر شده، هم از حیث تنگی و هم از حیث تاریکی. چنان که شیخ بهایی می گوید: "یوسف حسنی تو این عالم چو چاه / وین رسن صبر است از امر اله / صد ملک ز بهر تو چشم به راه / ای یوسف مصر برآ از چاه"

همچنین از "مرگ و رستاخیز" به عنوان "صبح" در ادبیات یاد شده است کنایه از آن است که از شب خواب عالم بیدار می شویم. شیخ محمود شبستری در "گلشن راز" می گوید: "به صبح حشر چون گردی تو بیدار / بدانی کان همه وهم است و پندار" مولانا در "دیوان شمس" چنین می سراید: "خوشا صبحی که او آید نشیند بر سر بالین / تو چشم از خواب بگشایی ببینی شاه شاهانی" و سعدی، عاشقانه به استقبال چنین مرگی می رود: "علی الصبح قیامت که سر ز خاک برآرم / به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم"

منبع: شبستان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۳۶۲/اف-اعترا-آموز-عبرت-اعتراف>